حقوق شهروندی در ادبیات طنز دوره مشروطه

۲۴ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۲۹

شعر فارسی از دیرباز با طنز عجین بوده است. از طنزپردازان سرشناسی همچون عبید زاکانی هم که بگذریم، حتی قله‌های شعر عاشقانه و عارفانه در آثار خود از طنز بهره جسته‌اند. نمونه بارز این ادعا حافظ شیرازی است که گاه چنان رندانه طنز را در خدمت مضمون گرفته که جز با نیشخند نمی‌توان بیت مورد نظر را خواند و درک کرد

در این نوشتار اما قرار است به طنز در شعر دوران مشروطه پرداخته شود. به همین دلیل و برای درک بهتر موضوع لازم است کمی به اوضاع ادبیات و مشخصا شعر آن روزگار بپردازیم.

انقلاب مشروطه را بی‌تردید می‌توان نقطه عطف ادبیات و شعر فارسی دانست؛ رخداد بزرگی که علاوه بر سیاست و اجتماع، بسرعت عرصه هنر و ادبیات را درنوردید و باعث پیدایش آثاری متفاوت از گذشته شد. اما دلیل این تأثیر و تغییر چیست؟

اصلی‌ترین عامل این تأثیر شدید در ذات مشروطه مستتر است. با انقلاب مشروطه، مردم و جامعه از حالت رعیت خارج شدند و به هیات شهروند در آمدند. این تغییر بنیادین خود به خود حقوقی را برای شهروند دوران مشروطه به همراه داشت که اصلی‌ترین آن، معنا یافتن فردیت انسان بود. به همین دلیل، چهره‌هایی همچون نیما یوشیج، تقی رفعت، شمس کسمایی و دیگر شاعران نوپرداز به خود اجازه دادند در کلیشه‌هایی که تا آن روزگار لایتغیر پنداشته می‌شد، دست ببرند.

بی‌شک دانستن زبان فرانسه و مطالعه ادبیات ایران در نوآوری‌های نیما یوشیج بسیار مؤثر بوده است، اما برای این‌که میزان اثرگذاری انقلاب مشروطه را درک کنیم، کافی است به این سوال پاسخ دهیم که آیا پیش از نیما، شاعر یا ادیبی نداشتیم که فرانسه بلد باشد و با ادبیات غنی این کشور آشنا باشد؟

اتفاقا پاسخ بسیار ساده است. تنها چند دهه پیش از انقلاب مشروطه و در دوران صدارت امیرکبیر، شاعری به نام یغما جندقی می‌زیسته که کاملا بر زبان و ادبیات فرانسه تسلط داشته است. در میزان خلاقیت شاعری او نیز همین بس که ادوارد براون، نویسنده تاریخ ادبیات ایران، او را با شاعر شهیر فرانسوی ـ آرتور رمبو ـ مقایسه می‌کند. موضوع آنجا روشن‌تر می‌شود که اتفاقا جندقی نیز تلاش می‌کند آثار ادبی فرانسه را به فارسی ترجمه کند، اما از سوی دولتمردان از این کار منع و به او گفته می‌شود بهتر است آثاری در باب صنعت ترجمه کند!

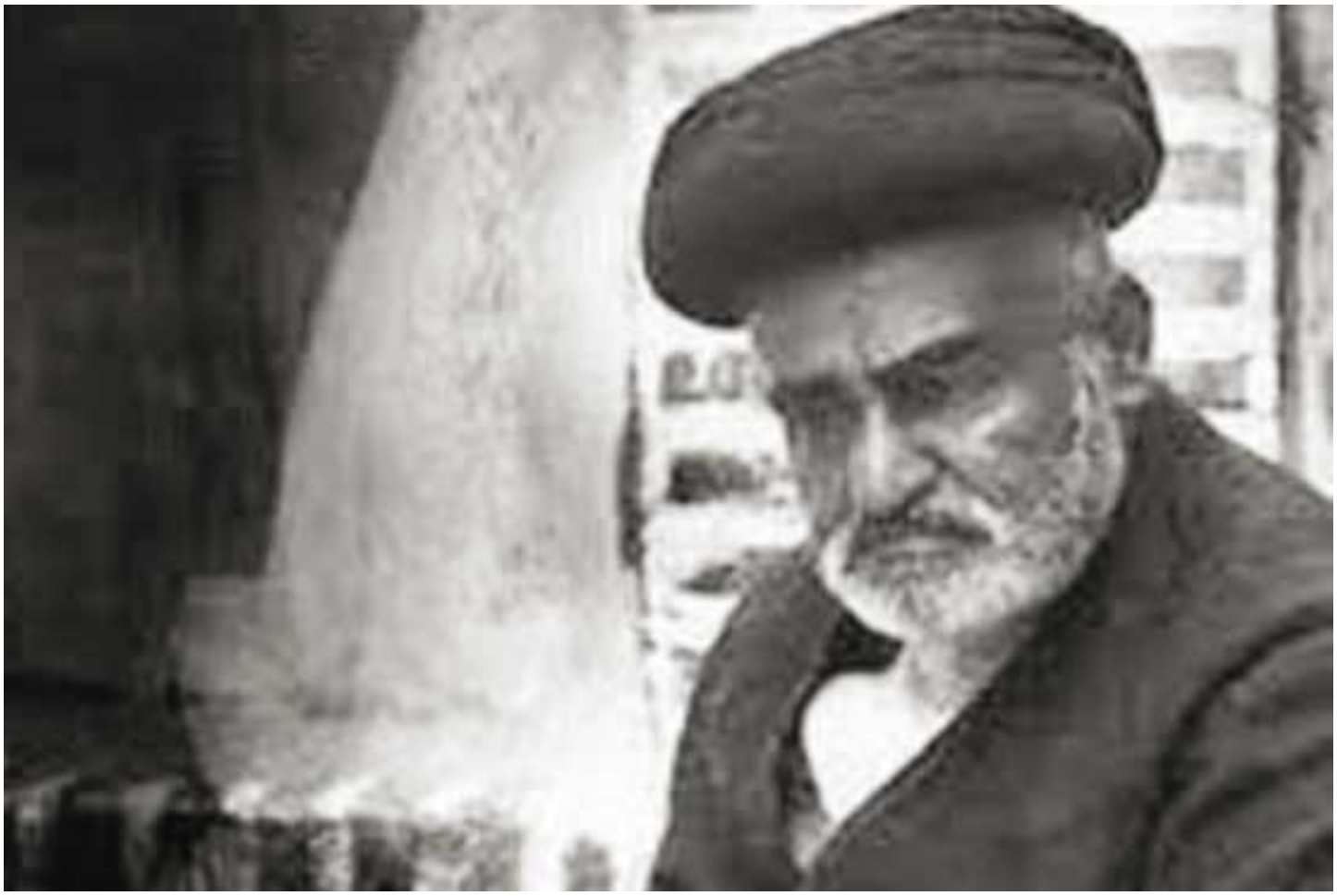

اشاره به این مقدمه طولانی از این نظر ضروری است که غالب آثار طنز دوران مشروطه از قالب‌های متعارف شعر فارسی همچون غزل و قطعه متفاوت است. اهمیت این مهم از آن منظر است که در سال‌های ابتدایی پس از مشروطه، هنوز نیما هم ظهور نکرده بود تا نظریات خود را به شکلی که امروز شعر نو خوانده می‌شود، تئوریزه کند. بنابراین می‌توان گفت فرم متفاوت اشعار طنز دوران مشروطه تحت تاثیر همان مفهوم فردیت است. هرچند طنزپردازان این دوران هیچ‌گاه از وزن عروضی خارج نشدند، اما دیگر به برابری مصراع‌ها پایبند نبودند و به فراخور شعر و مضمون، آن را نقض می‌کردند.

یا این شعر از سیداشرف‌الدین گیلانی که با انتشار نشریه نسیم شمال و چاپ آثار طنز خود در آن، شوری در جامعه و فضای مطبوعاتی آن زمان ایجاد کرده بود:

ای فعله تو هم داخل آدم شدی امروز؟

بیچاره چرا میرزا قشمشم شدی امروز؟

در مجلس اعیان به خدا راه‌نداری

زیرا که زر و سیم به همراه نداری

در سینه بی‌کینه به جز آه نداری

چون پیر نود ساله چرا خم شدی امروز؟

بیچاره چرا میرزا قشمشم شدی امروز؟

هرگز نکند فعله به ارباب مساوات

هرگز نشود صاحب املاک دموکرات

بی‌پول تقلا مزن، ای بلهوس لات

زیرا که تو در فقر مسلم شدی امروز

بیچاره چرا میرزا قشمشم شدی امروز

از شکل و فرم شعر طنز در این دوران که بگذریم، موضوع مهم دیگری که باید به آن توجه شود، دلایلی است که این شاعران را به سوی طنز سوق می‌دهد. این دلایل را به اختصار در دو مورد می‌توان خلاصه کرد:

نخست این‌که اگرچه انقلاب مشروطه باعث پیدایش حقوق شهروندی شده بود، اما روحیات جامعه استبدادزده و حاکمان برآمده از آن، مانع بود که این شاعران بتوانند بدون دغدغه و به زبان فخیم و جدی دغدغه‌های خود را بیان کنند. بنابراین شاهدیم که اتفاقا هر زمان که حاکم وقت جدیت بیشتری در سرکوب منتقدان خود نشان داده، گرایش به طنز در میان شاعران این دوره بیشتر شده است. اوج این جریان را می‌توان در دوران صدارت و سال‌های اول سلطنت رضا خان مشاهده کرد. فرخی یزدی در همین سال‌ها به جرم سرودن اشعار جدی انتقادی به زندان می‌افتد و دهانش دوخته می‌شود و سرانجام پزشک احمدی معروف او را به قتل می‌رساند. میرزاده عشقی نیز در همین دوران به ضرب گلوله کشته می‌شود.

فارغ از مصائب سرودن اشعار جدی، یک نکته مهم دیگر نیز در گرایش این شاعران به طنز موثر بوده و آن هم میزان اثرگذاری اشعار طنز با بیان عامیانه در توده‌های بی‌سواد آن روزگار است.

به عبارت دیگر باید گفت در دورانی که هنوز مدارس جدید شکل نگرفته بود و عموم جامعه سواد پایینی داشتند، شاعرانی که پیش‌تر تسلط خود را بر ادبیات و شعر فاخر ثابت کرده بودند، ترجیح دادند سراغ ادبیات عامه مردم بروند و با زبان خود آنها با ایشان سخن بگویند و از این طریق مفاهیم جدیدی را که حاصل انقلاب مشروطه و دنیای جدید بود به آنان منتقل کنند.

در میان این ادیبان، با جرأت می‌توان گفت، علی‌اکبر دهخدا از جایگاهی ویژه برخوردار است، چراکه علاوه بر سرودن شعرهای طنز به زبان ساده و عامی، نثرهای طنزآمیز فراوانی را نیز در قالب مجموعه مقالات چرند و پرند خلق می‌کند که با استقبال خوبی از سوی مردم مواجه می‌شود.

منبع: جام جم

آدرس مطلب :
https://www.cafetarikh.com/news/۳۰۶۶۵/حقوق-شهروندی-ادبیات-طنز-دوره-مشروطه